



جزء بیست وهفتم

فانوسِ راه!

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ
وَالْمِيزَانَ لِيُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ﴾

سوره حدید، آیه ۲۵

ما پیامبرانمان را با دلیل‌های روشن فرستادیم. همچنین، کتاب‌های آسمانی را فرستادیم و دین را که معیار سنجش است تا مردم قیام به عدالت کنند. و آهن را (که در ساختن تجهیزات نظامی و غیرنظامی به درد می‌خورد)، آفریدیم.



سُورَةُ الْحَدِيدِ

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ
 وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ
 بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ
 بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٢٥﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ
 وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُّهْتَدٍ
 وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿٢٦﴾ ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِمْ
 بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَجَعَلْنَا
 فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهَابِنِيَّةً
 ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ
 فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ
 وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿٢٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ
 وَءَامِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِن رَّحْمَتِهِ وَجَعَل لَّكُمْ نُورًا
 تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٢٨﴾ لَعَلَّا يَعْلَمَ
 أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّن فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ
 الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٢٩﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

دیگر حجت تمام است!
حالا همه چیز روی شانه‌های ماست.
بد و خوبش مثل پرتوهای خورشید، روشن است و واضح.
صد و بیست و چهار هزار رسول آمدند و رفتند تا به این روز برسیم.
روزی که آدمیزاد مسئول ساختن همان آرمان شهری است که نسل به نسل
و سینه به سینه آرزویش جلو آمده.
تمام ماجرا از کتابی شروع شد،
از وزنه‌ای که به میان بشر فرستادی تا سنجه‌ی حق و باطل شود.
کتاب، چون فانوسی به دست پیامبران آمد،
و میزان، چون ترازویی برای عدالت.
رسولان خود را فرمودی که به پا کنید قسط را و عدل را،
تا هر قلبی به عشق عدالت بتپد،
و هر مثنی به سوی آسمان بلند شود برای حق خواهی.
عدالت، واژه‌ای نیست لغلغۀ زبان و دستاویزی نیست برای بازی!
شعاری خالی هم نیست!



باید زندگی شود، باید بیاید سر سفره‌های مردم، باید جاری باشد در کوچه و خیابان،

تنفس شود در هر هوایی و رنگش را بگیرد آسمان هر جایی!
فدای سخن‌های حکیمانه‌ات که فرمودی برای برپایی قسط، آهن لازم است!
آهنی که گاه تیغ برنده می‌شود و گاه تکیه‌گاه در دست انسان‌های صبور.
آهن، همان سختی‌ای است که پشت هر عدالت‌خواهی نهفته.
همان ابزاری است که صخره‌های ظلم را می‌شکند،
و پلی می‌سازد برای عبور از بی‌عدالتی.

ای خدای عدالت‌ها!

این قیام، سفری ست میان آتش و ایمان.
هر که در این میدان پا می‌گذارد، دلش به نصرت تو گرم است،
و چشمش به روشنایی اولیای تو روشن.
چرا که تنها آنان که ولی خدا را یاری می‌دهند، مستحق یاری الهی‌اند!
باید بیاییم، باید بخواهیم، باید به پا خیزیم.
این سیل خروشان به تک‌تک ما موج می‌زند.
این گلستان، به گل کردن همه‌ی ماست.

بگذار بلرزد بر خود، طاغوتیان در کاخ‌های سفید ظلمشان!
بگذار کرکند گوش‌هایشان را فریاد بلند حق!
بگذار شمشیرهای عدالت‌مان، فرود آید بر فرق سر ظلم و زمین، آبستن نور
شود.

ما مردمانی هستیم که در دست‌انمان، آهن ایمان داریم؛
آهنی که باز می‌کند گره از مشکلات و گره بر زنجیرهای طاغوت می‌زند.

ما وارثین کتابیم!

وارث محیرترین معجزه و گوهرترین گنج زمین!

ما همان نسلی هستیم که چراغ راه کرده‌ایم کتاب را، کاشته‌ایم در
دل‌هایمان میزان را،
و به کار گرفته‌ایم آهن را، تا از زنجیرها، پرچم بسازیم!
ما همان میدان‌داران راه حقیم،
که عدالت‌گش‌ها را از میدان به در می‌کنند و نشانی‌شان آیه‌های روشن است!
همان‌ها که مشعل آخرین پیامبر را بلند کرده‌اند، روشن نگاه داشته‌اند
و زنده می‌مانند تا رساندنش به دست آخرین مشعل‌دار!



سوزدهای سخن



خاطره شهید



پویانمایی



یادگست صوتی



تبیین آیه